



مرکز تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی (M. A.)

موضوع:

فرهنگ تلمیحات، اشارات و ضرب المثل در مثنوی طاقدیس

استاد راهنما: دکتر علی محمد پشدار

استاد مشاور: دکتر احمد علی جعفری

تحقیق از: ربابه آخوندی

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم:

«به مادرم ظهور پاک عشق و محبت»

«و پدرم که حضور ناب غیرت و جوانمردی بود.»

«سپاسگزاری و تشکر»

خالق هستی بخش را سپاس می گزارم که موهبت "اندیشیدن" ولذت "دانستن" را به انسان آن سان که شایسته اوست عطا کرد، تا از منظر معرفت سر از پا نشناسد. و مرا آفرید تا به قدر دریافت خود زیباترین حضور عاشقانه او را در زندگی ام تفسیر کنم، او را شکر می گویم که در طی مسیر پر تلاطم زندگی ام گستره عنایت بی دریغش را نصیبم کرد تا سیاهی و ظلمت نا امیدی، روحم را فرا نگیرد و ملالت های جانکاه عشق به او را از یاد نبرم، او را سپاس می گویم و شماری از مواهب بی دریغش را منت می گزارم.

در طول نگارش این پایان نامه، دستهای مهربان فرزندانم علیرضا، محمدمهدی، عطیه و زهره کدورت های خستگی را از خاطر می زدود و نگاه های بی توقعشان توانی دوباره به من می بخشید.

هدایت های بزرگوارانه استاد محترم جناب آقای دکتر پشتدار هدیه ی گرانقدری بود که دریچه تازه ای بر دریافتهای ادبی من گشود. سپاس آن تا همیشه بر من خواهد بود. شاگردی در محضر استاد مشاور و استفاده از امعان نظر عالمانه ایشان افتخاری بود که در این رساله نصیبم شد که آن را ارج می نهم.

تشویق های دوست عزیزم خانم دکتر دانشگر را هیچ گاه از خاطر نخواهم برد.

فرهنگ تلمیحات، اشارات و ضرب المثل در مثنوی طاقدیس

چکیده:

حاج ملااحمدنراقی، سراینده مثنوی طاقدیس، فرزندملا محمد مهدی دارای طبعی ادبی و متخلص به صفائی، از اکابر دین و عظمای مجتهدین در اصول فقه، ریاضی و نجوم دست داشته است. و از نظر فکر و فرهنگ و اخلاق و عرفان حائز اهمیت می باشد.

مثنوی طاقدیس با الهام از مثنوی معنوی مولوی و به وزن و شیوه آن سروده شده، ده هزار و یکصد و پنجاه و شش بیت دارد که حاوی نه مناجات مشحون از آیات، احادیث و روایات می باشد مثنوی طاقدیس شصت و پنج حکایت و داستان دامنه دار را به صورت تودرتو، در بیان مواعظ عارفانه و روحانی مملو از پند و اندرزهای حکیمانه، اخلاقی و آموزشی، آمیخته با لطائف و ظرافت های ادبی مزین نموده، که بیانگر وقایع و حقایق زندگی روزمره بشری است و به جهت راهنمایی انسان ها به رشته نظم کشیده شده است، اعلام تاریخی و اصطلاحات دینی، عرفانی و نجومی نیز یکی دیگر از ویژگی های این مثنوی است

این تحقیق در سه بخش به جمع آوری تلمیحات، اشارات و ارسال المثل یا ضرب المثل ها پرداخته است.

کلمات کلیدی: مثنوی طاقدیس، تلمیحات، اشارات، ضرب المثل

فهرست مطالب:

۱	مقدمه
۴	فصل اول (ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهشی)
۵	بیان مسئله و ضرورت‌ها و اهداف
۸	فصل دوم (تعاریف)
۹	تلمیح
۹	تضمین
۱۰	حل یا تحلیل
۱۰	اقتباس
۱۰	فرق اقتباس و تلمیح
۱۱	اشارات
۱۱	التفات
۱۱	تمثیل
۱۳	فصل سوم (تلمیحات)
۱۴	آیات
۳۶	احادیث
۴۱	انبیاء
۶۴	اشخاص
۹۲	اصطلاحات عرفانی
۱۰۶	اصطلاحات نجومی و ستارگان
۱۱۰	تعبیرات قرآنی، مذهبی و دینی
۱۲۱	حیوانات
۱۲۷	عناصر طبیعت
۱۴۴	فرشتگان
۱۵۱	فصل چهارم (اشارات)
۱۵۲	اخلاط چهارگانه انسان
۱۵۲	اصول و روش‌های تربیتی
۱۵۳	اعتقادات، باورها و خرافات
۱۵۳	اعجاز
۱۵۴	اعمال
۱۵۴	بیماری
۱۵۵	تعابیر

۱۵۷.....رسوم

۱۵۷.....مکان‌ها

۱۶۲.....نظر به مضامین اشعار شاعران

۱۶۵.....نماد

۱۶۷.....فصل پنجم (ضرب‌المثل)

۱۷۸.....فصل ششم (جمع بندی و نتیجه گیری)

۱۷۹.....جمع بندی و نتیجه گیری

۱۸۰.....نمودارها

۱۸۴.....منابع و مأخذ

مقدمه:

۱-۱ این پژوهش سعی دارد ضمن بررسی واستخراج صنایع ادبی مثنوی طاقدیس که به الهام از مثنوی معنوی مولوی پرداخته، تلمیحات، اشارات و ارسال المثل های آن را جمع آوری، دسته بندی و نتیجه گیری نماید.

با این که تاکنون آثار متعددی متأثر از مثنوی مولوی، که به گفته جامی ((هست قرآنی به لفظ پهلوی)) به رشته تحریر در آمده و هر یک در ابعاد مختلف دارای شأن و مقامی در خور می باشند. مثنوی طاقدیس نیز یکی از این سروده ها است که بعضی آن را دفتر هفتم مثنوی مولوی می دانند. ولی به دلایلی، آن چنان که باید مورد توجه نیست. اگرچه مقالاتی پیرامون آن نوشته شده تا گوشه های از این اثر به علاقمندان شناسانده شود.

در مقدمه کتاب طاقدیس آمده است که بیش از ده بار این کتاب در ایران و هند به چاپ رسیده است.

اما به دلیل شدت شباهت به مثنوی مولوی و به کارگیری عناصر سخن در ترکیب و ساختار، اعم از آرایه های ادبی و محتوایی، «استفاده از احادیث شیعی و حکایات مربوط به ائمه هدی(ع) شباهت های بسیار و گاه افراطی به مثنوی معنوی، از جمله موانع شهرت این اثر بر سر قلم ها و زبان ها است زیرا همواره «پایه»، «پیرو» را در محاق فراموشی و غفلت قرار می دهد.» و از معروفیت آن می کاهد اگر چه خود به تنهایی دربرگیرنده مفاهیم بلند عرفانی، ادبی، اجتماعی و تعلیمی غنی ای است.

۱-۲ در شرح احوالات حاج ملا احمد نراقی آمده است که او فرزند حاج ملا محمد مهدی نراقی در سال (۱۱۸۵ق) در زمان کریم خان زند در نراق بدنیا آمد.

او دوران جوانی را در شهر کاشان و در محضر پدر خویش به تحصیل علم گذراند و در سال (۱۲۰۵ق) به همراه پدرش به عتبات عالیات مشرف گردید. وی در نجف اشرف از مجلس درس علامه بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطا بهره مند گردید و در کربلا در درس میرزا مهدی شهرستانی و محمدباقر وحید بهبهانی شرکت نمود. همچنین از محضر استادانی چون شیخ محمد جعفر نجفی و سید علی طباطبائی صاحب الریاض نیز کسب فیض نمود. بعد از فوت پدر به کاشان بازگشت و از همان دوران جوانی مسئولیت

مرجعیت و زعامت مردم کاشان و بخش هایی از ایران را برعهده گرفت. او عمر گرانمایه خود را صرف رسیدگی به امور دینی مردم، تدریس و تألیف آثاری گرانبها در زمینه مسائل گوناگون فقهی و ادبی نمود.

برخی از آثار او عبارتند از: معراج السعاده، عین الاصول، وسیله النجاه، جامع المواعظ، دیوان اشعار و مثنوی طاقدیس.

مسئولیت، مرجعیت، ریاست و زعامت دینی و دنیایی مردم کاشان و اشتغال به امور اجتماعی و سیاسی و سعی در مباحث جدید فقهی از او عالمی آشنا به زمان، مبتکر و متجدد ساخته بود. وی برخی از روش های متداول درسی حوزه های زمان خود را به نقد کشیده و با زبانی ظنر آمیز در مثنوی طاقدیس بیان می نماید. همچنین فقهای بی عمل و فلسفه زدگان نیز از گزند انتقاد وی در امان نبودند.

از وقایع مهم زمان او، قتل آقامحمد خان قاجار در سال (۱۲۱۲ق) و دو جنگ بزرگ ایران و روسیه در سالهای (۱۲۲۲ق و ۱۲۴۱ق) که منجر به انعقاد دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای گردید، بوده است وی در صدور فرمان جهاد در جنگ دوم بین ایران و روسیه به همراه علمای دیگر نیز نقش داشت.

پس از قتل آقامحمد خان قاجار و به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه با توجه به اعتقادات مردم و مصلحت اندیشی و نیز برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود از ملا احمد خواست تا رساله عملیه ای را تألیف نماید. ملا احمد نیز به همین منظور رساله «وسیله النجاه» را نوشت.

ملا احمد نراقی در عرفان نظری شیعه که علی الخصوص از عهد صدرالمتألهین به همت او آمیخته ای از کلام و اخلاق و فلسفه و عرفان است، دست داشت. مطالعه کتب مختلف تاریخی، گفتگو با صاحبان اندیشه و سفرهای متعدد وی به نقاط مختلف ایران و عتبات عالیات و مکه معظمه از او فردی مطلع و آشنا نسبت به تاریخ و ادیان ساخته بود و نشانه های این آشنایی را می توان در مثنوی طاقدیس و در برخی از آثار او یافت. ملا احمد نراقی، دانشمندی آگاه بود که درباره تاریخ اسلام و جهان پیرامون خود اطلاعات با ارزشی داشت. وی از طریق مطالعه و کندوکاو در کتاب های تاریخی، گفتگو با ادیبان و مورخان، سفرهای متعددی به اطراف ایران و مسافرت های زیادی که به مکه و کربلا داشته و در طی دیدار هایی که با اربابان مذاهب یهود و زرتشت و ترسا و... داشت به غنای حافظه تاریخی خود افزوده بود. و این آگاهی های عمیق و پردامنه جغرافیایی و تاریخی و آشنایی به ادبیات فارسی و عربی و ترکی محفل های درسی و ادبی و تبلیغی او را گرم و پر جاذبه ساخته بود. وی صاحب ایده ها و اندیشه های فقهی و پویایی بود که شخصیت و

روش فقهی برخی از شاگردانش، مانند شیخ مرتضی انصاری رابه ظهور رسانید. و بیست و سه تن از شاگردان او همگی از علمای برجسته زمان خود بودند.

جامعه معاصر ملاحمد نراقی با مشکلات بسیاری روبرو بود، استبداد و ظلم و ستم شاهان و کارگزاران رواج مفاسد اخلاقی، زن بارگی در میان طبقات مرفّه و ثروتمند و فرقه های انحرافی، سوءاستفاده از مذهب همه این عوامل باعث شده بود تا او به طور مستقیم و کنایه سردمداران را اندرز دهد و آنان را به عدالت فرا خواند.

ملاحمد با صوفیگری زمان خود به شدت مخالفت می ورزید و بارها با الفاظ تند و گاه رکیک از آنان انتقاد می کرد. او به روش کور کورانه ای که بین عوام زمانش مرسوم بود، اعتراض داشت و به تأسی از ائمه شیعه و تحت تعالیم آنان به اصل اختیار معتقد بود و انسان ها را مسئول اعمال خودشان می دانست.

ملاحمد نراقی شصت سال زندگی کرد و عمر پربار خود را صرف امور آموزشی، دینی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی نمود. علامه فقیه و عارف فرزانه سرانجام در بیست و سوم ربیع الثانی سال (۱۲۴۵ق) به علت بیماری وبا درگذشت و پیکر او در نجف اشرف کنار صحن مرتضوی پشت سرمبارک حضرت علی ابن ابی طالب در جوار مرقد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.

(برگرفته از: تاریخ درنگاه نراقی، رضوی و مثنوی طاقدیس، گمشده ای در آسمان، بابایی)

فصل اول

(ارائه. و تجزیه و تحلیل داده

های پژوهشی)

بیان مسئله و ضرورت ها و اهداف:

بیان مسئله:

گنجینه‌های غنی و سرمایه‌های سرشار منظومه‌های ادبی و عرفانی متأثر از آیات قرآنی، احادیث، سنن و سیره نبی اکرم، ائمه هدی و تمامی انسان‌های بزرگی است که پیرو آنان بوده‌اند، یکی از این موارد مثنوی طاق‌دیس می‌باشد که افزون بر موضوعات مختلف در بعد عرفانی و فلسفی نیز به لایه‌های عمیق تری در کلام سخن پردازان راه یافته و باید به استخراج موضوعات کلی و جزئی مورد توجه ملا احمد نراقی راه یافت و زیور کلام او را دریافت. آوردن ضرب‌المثل در مخاطب‌شناسی نشانه‌ی قدرت فکری و زبانی گوینده و نویسنده است، ضمناً ملا احمد نراقی به عنوان عالمی دانا که با مردم زندگی می‌کند، در مثنوی خود برای بیان مفاهیم عمیق و حکیمانه از امثال قرآنی- احادیث نبوی- ضرب‌المثل‌های عامیانه استفاده‌های تعلیمی مناسبی کرده است. محدوده این تحقیق مثنوی طاق‌دیس می‌باشد.

سوال‌های اصلی تحقیق:

- ۱- مثنوی طاق‌دیس به چه موضوعاتی توجه کرده است؟
- ۲- میزان به کارگیری عناصر تلمیحی در مثنوی طاق‌دیس چگونه است؟
- ۳- سراینده مثنوی طاق‌دیس در استفاده از عناصر تلمیح چگونه کارکردی داشته است؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

با توجه به اینکه داستان‌های مثنوی طاق‌دیس بر گرفته از مثنوی معنوی مولانا، با توجه به ابعاد شخصیتی، روحی و معنوی حاج ملا احمد نراقی می‌باشد، باید از منظرها و دیدگاه‌های متفاوتی آن را مورد توجه قرار دهیم.

یکی از این روش‌ها برای بررسی و شناخت و دریافت آرایه‌های مثنوی مورد بحث، استخراج و دریافت موضوعاتی است که مورد توجه قرار گرفته و به جهت استفاده بیشتر و دریافت صحیح تر مطلب، نیاز به یک کارتحقیقی می‌باشد تا به سهولت به نقطه نظرات، اندیشه والا و افکار متعالی این عارف الهی راه یافت.

فرضیه ها:

- ۱- به نظر می‌آید که داستان‌ها علیرغم اشتغال بر روایت‌های مختلف همه برخوردار از یک معنویت تاثیر گذار و به زیور آرایه‌ها ملبس گردیده‌اند.
- ۲- با توجه به اهمیت بخش عرفانی مثنوی به نظر می‌آید مطالب و مسائل عرفانی، شناختی و اجتماعی بیشتر مورد توجه و دقت نظر می‌باشد، ولی زبان آرایه‌ها مطالب را به یقین موثرتر و زیباتر می‌نمایاند.
- ۳- احتمال داده می‌شود که ترتیب موضوعات مورد توجه در این مثنوی در راستای آرایه‌ها بیشتر مسائل راه و رسم زندگی، شناخت و عرفان و برگرفته از احادیث، سنن و آیات قرآنی است.

هدف ها:

- ۱- استخراج آرایه‌های تلمیح، اشارات و ارسال المثل موضوعات مورد توجه نویسنده در محدوده کتاب مثنوی طاق‌دیس به صورت فرهنگ.
- ۲- سهولت دسترسی خواننده و محقق به فرهنگ آرایه‌های مثنوی مورد بحث.
- ۳- امکان دریافت، جمع‌آوری و دسته‌بندی آرایه‌های مورد نظر.

پیشینه ها:

با توجه به اهداف سه‌گانه فوق می‌توان به بخشی‌هایی از کتاب «مثنوی طاق‌دیس گمشده ای در آسمان» از بابایی و «مثنوی طاق‌دیس» از خرمشاهی و «تاریخ درنگاه نراقی» از رضوی و «تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی از دکتر علی اصغر حلبی» و «فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی» از دکتر سجادی «فرهنگ اشارات و فرهنگ تلمیحات» از شمیسا و «فرهنگ آرایه‌های ادبی» از پوران‌دخت برومند و «امثال و حکم» از علی اکبر دهخدا و «ضرب المثل‌های فارسی» از محمد عباد زاده کرمانی و «کتاب‌های الکترونیکی مانند درج ۳، گنجینه روایات نور و کتابخانه فاضلین نراقی» و... اشاره کرد.

روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس اهداف تعیین شده بر پایه روش کاربردی و به شیوه تحلیل محتوی است. گردآوری اطلاعات و یافته های تحقیق به صورت میدانی، کتابخانه ای با استفاده از منابع علمی کتابخانه و نرم افزارهای الکترونیکی تهیه و جمع آوری شد.

در این روش ابتدا کتاب مثنوی طاقدیس به قلم حاج ملااحمد نراقی و به اهتمام حسن نراقی مورد مطالعه قرار گرفت و آرایه های مورد نظر علامت گذاری شد، سپس فیش برداری و تفکیک براساس موضوعات، و آنگاه طبق حروف الفبا دسته بندی گردید.

در مرحله پایانی با مراجعه به منابع و مآخذ یاد شده در آخر این پایان نامه، توضیحات اولیه و ضروری، شرح و معنی واژه ها و اصطلاحات به دست آمده بیان گردید. همچنین در مورد شرح احوالات نویسنده، ویژگی های مثنوی طاقدیس و تعاریف آرایه های مورد بحث، مطالبی تدوین شد و سرانجام با نظرات ارزشمند اساتید محترم راهنما و مشاور، پایان نامه تنظیم، و تألیف گردید.

جامعه پژوهش:

در این راستا کتاب مثنوی طاقدیس، مرجع اصلی بوده، و در کنار آن کتاب های مختلف، مقالات، فصل نامه ها، و... مطالعه گردید.

این تحقیق در اهداف بنیادین خود استخراج انواع تلمیح، اشارات و ضرب المثل ها را در مثنوی طاقدیس پی می گیرد.

همچنین نظرات برجسته صاحب نظران، اساتید، کارشناسان در باره موضوع مورد بحث مدد رسان و یاریگر حقیر بوده است.

فصل دوم

(تعاریف)

تلمیح:

از ریشه لمح در لغت به معنی دیدن، نظر کردن، آشکار ساختن و اشاره کردن است. در اصطلاح بدیع اشاره به قصه یا شعر یا امثال و سائر آن است به شرطی که آن اشاره چنان که از معنای اشاره برمی آید تمام داستان یا شعر یا مثل را در بر نگیرد.

در لغت "سبک نگریستن" و "به گوشه چشم اشاره کردن" است و در فن بدیع عبارت از این است که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، حدیثی (یا قصه‌ای یا مثلی یا شعری) مشهور و معروف اشاره کند و یا اینکه از اصطلاحات علوم استفاده کند، بی آنکه صریحا متذکر استفاده خود باشد.

سوره نور آیه رحمت تویی / خلق عالم را ولی نعمت تویی

(حاج ملا احمد نراقی، مثنوی طاقدیس، ۱۳۸۶، ص ۲۹۰)

اما بهترین تلمیح آن است که ذهن شاعر و نویسنده تنها تاثیری از آیه یا حدیث پذیرفته باشد نه اینکه آن آیات یا احادیث را عینا از تازی به پارسی در آورد و نام تلمیح بر آن بنهد.

هر که را کشتی در این دریا شکست / سر برون آورد از بهر الست

(حاج ملا احمد نراقی، مثنوی طاقدیس، ۱۳۸۶، ص ۴۲۱)

یکی از مباحثی که با تلمیح پیوند دارد "عنوان" نامیده می‌شود.

عنوان در لغت دیباچه لغت و در اصطلاح ادیبان و بلیغان، عبارت از این است که گوینده یا نویسنده به غرضی مشغول گردد، و به قصد تکمیل آن و برای تاکید مثال‌هایی در الفاظ اندک بیاورد که نشان از اخباری باشد که گذشته یا قصه‌هایی که پیش از آن بیان شده و آن انواع زیادی دارد؛ و از این مقوله است عنوان دانش‌ها، و آن چنان است که در کلام الفاظی یاد شود که کلید دانش‌ها باشد و مدخل آن‌ها

اندرین وادی خرد سودایی است / عقل حیرانست و سوسفطایی است

(حاج ملا احمد نراقی، مثنوی طاقدیس، ۱۳۸۶، ص ۳۸۷)

تضمین (Borrowing)

در لغت یعنی گنجانیدن، و در علم بدیع عبارت از این است که شاعر آیتی از قرآن یا حدیثی از معصوم یا مصراع‌ی یا بیتی یا دو بیتی از شعر (یا نوشته) شاعران و نویسندگان پیشین یا معاصر را در سروده خود می‌آورد و اگر آن سخن مشهور نباشد نام او را در سخن خود ذکر می‌کند و نیز گفته‌اند که بهترین تضمین آن

است که شاعر بر آنچه از دیگری گرفته نکته‌ای تازه بیافزاید یعنی نکته اساسی شعر او تضمینی نباشد که از دیگری گرفته بلکه خود نیز، لطیفه‌ای و یا اشارتی بر آن بیافزاید.

گاه گاهی منزل او خاک بود/ گاه دیگر طارم افلاک بود

(حاج ملا احمد نراقی، مثنوی طاق‌دیس، ۱۳۸۶، ص ۳۰)

حل یا تحلیل (Untying)

در لغت یعنی از هم باز کردن یا گشودن، و در اصطلاح ادیبان گرفتن الفاظ آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از احادیث و یا شعری از اشعار و یا مثلی از امثال در گفتار و نوشتار است، با خارج ساختن عبارت آن از وزن یا صورت اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص.

از برای اهل قرب بارگاه/ هست آن رطاعت و این را گناه

(حاج ملا احمد نراقی، مثنوی طاق‌دیس، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶)

اقتباس (Quotation)

در لغت، "پاره آتش" یا "نور و فروغ گرفتن" و در فن بدیع عبارت از آوردن آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از رسول اکرم (یا معصومان دیگر) یا بیت معروفی است به نحوی که معلوم باشد که قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال.

از تجلی نحو طور بارقا/ صار دکا خر موسی صاعقا

(حاج ملا احمد نراقی، مثنوی طاق‌دیس، ۱۳۸۶، ص ۴۹)

فرق اقتباس و تلمیح:

فرق اقتباس و تلمیح در این است که تلمیح عبارت از این است که در ضمن کلام اشارتی لطیف به آیه قرآن یا حدیث یا مثل سایر یا داستان یا شعری معروف کند ولی عین آن را نیاورد، اما در اقتباس شرط است که عین عبارت مورد نظر (درج)، یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد بیاورد. گاهی اقتباس با صنعت ارسال المثل متحد می‌شود و این اتفاق در جایی است که یک مثل مشهور یا شبه مثل را گرفته باشند خواه- از آیات کریمه و احادیث ماثوره باشد یا نباشد.

اشارات (Allusion)

در لغت به معنی نمودن، به دست چشم و یا ابرو و جز آن است، و در اصطلاح ادیبان عبارت از این است که گوینده و یا نویسنده در الفاظ اندک معانی بسیار ایراد کند و کلام او حاکی از کنایه و رمز باشد و با وجود اختصار برای شنونده چیزهای زیادی را بیان نماید و شرط در آن ایما و اختصار و ترک تفسیر است. از انواع اشاره یکی تفخیم یعنی بزرگ گردانیدن موضوعی است که از آن سخن می‌گویند. دیگری ایما یعنی اشاره جزئی کردن و بدون تفسیر رها کردن موضوع تا خود خواننده به فهم اهمیت و عظمت آن همت گمارد و مقصود این است که چاره‌ای نباشد جز اینکه آن را مبهم رها کنند زیرا شرح آن به وصف در نمی‌آید. در حقیقت بسیاری از آیات قرآنی و احادیث نبوی این ویژگی را دارد که با وجود ایجاز و اختصار به اشاره حاوی بسیاری نکته‌ها است ولی البته درک معانی بدون تدبر و ممارست در قرآن و حدیث برای همه کس دریافتنی نیست.

پس به طور خلاصه مقصود از اشاره این است نویسنده یا گوینده از موضوع مهمی به اجمال و سرپوشیده و بدون تفسیر یادی نکند.

هان وهان ای جان من هوشیار شو / بانگ رحلت می رسد بیدار شو

(حاج ملا احمد نراقی، مثنوی طاقدیس، ص ۳۳)

التفات (Turning The Speech to another)

در زبان تازی روی کردن و در علم بدیع نخست سخنی را به یکی از سه طریق ادای کلام (تکلم، خطاب، غیبت) گفتن، و آنگاه روی از آن به طریق دیگر آوردن است و عالمان بدیع آن را دو قسم شمرده‌اند: قسم اول، این است که در سخن از غیبت به خطاب یا بالعکس از خطاب به غیبت منتقل شوند و بهترین مثال آن در التفات از غیبت به خطاب سوره حمد است و در التفات از خطاب به غیبت؛ هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ فِي الْأَبْرِ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِّ وَجَرَيْنَ بِهِمُ (یونس / ۲۲) مقصود این است که کشتی‌ها شما را می‌برند. قسم دوم این است که سخن را تمام کنند، آنگاه عبارت یا مصرع یا بیتی بیاورند که خود مستقل باشد، اما با سخن پیشین پیوند یابد و مایه حسن کلام باشد.

تمثیل (Likening Comparing)

در لغت به معنی همانند ساختن است و در اصل، آن است که عبارت نظم و نثر را به مثل یا شبیه مثل و یا سخن متداول در زبان ها که نکته ای اخلاقی و ادبی در آن باشد، آراسته گردد و این صفت همه جا موجب آرایش و تقویت سخن می شود.

در اصطلاح ادیبان عبارت از تشبیه چیزی به چیزی یا شخصی به شخصی است تا از آن فایده‌ای معنوی حاصل شود. اما اصل مثل ماخوذ از مثال است و در تعریف آن گفته‌اند: قولی سایر یا مشهور است و چنان است که در آن حال چیز دوم را به چیز اول همانند سازند. و اصل در آن تشبیه است. برخی مثل را به معنی عام تر گرفته و گفته‌اند مثل عبارت از تعریفی است که ظاهراً حقیقت ندارد ولی باطن آن از حکمت‌های شافی آکنده است. ولی امروزه هر سخن نغز غریب متداول در زبان‌ها را که نکته‌ای اخلاقی، فلسفی، دینی، سیاسی و ادبی در آن باشد مثل می‌توان گفت. اما این که گفتیم مثل عبارت از تعریفی است که ظاهراً حقیقتی نداشته باشد دلیلش این است که مثل غالباً از اشیا، جمادات، درختان و جانواران بی‌زبان و مانند آن-ها حکایت می‌کند و در آن ظاهراً حقیقتی نیست ولی در درون آن معانی عالیه و تعالیم پرمغز نغز نهفته است که شنونده از آن حکمتی می‌آموزد یا فایده‌ای می‌اندوزد. گویند *مِثْلٌ و مَثَلٌ و مَثِیْلٌ*، مانند *شِبْهٌ و شَبَّهٌ و شَبِیْهٌ*. آنگاه هر سخنی را که در میان مردم می‌گردد و به عنوان تمثیل در جای خود به کار می‌رود *مَثَلٌ* می‌گویند. و شرط آن این است که سخنی باشد که از برخی جهات در آن غرابتی باشد.

کاربرد مثل نیز فواید بسیار دارد چه زبان مثلی از خشکی و تلخی پند و اندرز می‌کاهد، و خاطر را لذت و طبع را مسرت می‌بخشد و در الفاظ اندک معانی بسیار مندرج می‌سازد، و در قالب سخنان کوتاه اندیشه‌های ژرف ارائه می‌دهد و در پرده کنایه و اشاره که از تصریح بلیغ‌تر و رساتر است مطالب والا و نکته سنجی-های خردمندانه تعلیم می‌دهد. ابن مقفع گوید: "هرگاه سخن را در جامه ی مثل ادا کنند، گفتن آن آشکارتر، شنیدن آن شگفت‌تر و توسط آن امکان بیان انواع سخن بیشتر و وسیع‌تر می‌شود."

ابراهیم نظام بلخی گوید: "در مثل چهار چیز گرد می‌آید که در انواع دیگر سخن نیست: کوتاهی لفظ، اصابت معنی، نیکی تشبیه و پسندیدگی کنایه و این نهایت بلاغت است."

این زبان غماز اسرار دلست / این زبان مرآت رخسار دلست (ص ۱۴۱)

(حلی، تأثیر حدیث و قرآن در ادب فارسی، ۱۳۸۷، صص ۵۰ تا ۷۵)

فصل سوم

(تلمیحات)

آیات:

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ (مائده / ۵۴)

این سخن را گره می خواهی بیان / روئید بهم و یحیون به خوان

ص ۲۸

وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (هود / ۹۰)

زین سبب فرمود حق بایندگان / سوی من آید ای آیندگان

ص ۲۸

قَالَ رَبِّ إِنَّمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزِينَ لَّهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (الحجر / ۳۹)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص / ۸۲)

همچنان کرده شیطان رجیم / عزم بر کید بنی آدم صمیم

ص ۳۶

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (انعام / ۷۹)

کی ره وجهت وجهی یافتی / وز گروه آفلین رو تافتی

ص ۵۴

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (انعام / ۷۶)

کی ره وجهت وجهی یافتی / وز گروه آفلین رو تافتی

ص ۵۴